

زکته‌ها

سرگذشت‌های خواندنی



سید جواد حسینی

۱. عجایب خلقت

دارکوب‌های کاکل‌دار که بزرگ‌ترین دارکوب‌ها در آمریکای شمالی به‌شمار می‌روند، سر خود را ۲۰ مرتبه در ثانیه با سرعت ۲۴ کیلومتر در ساعت به تنه درختان می‌کوبند، بدون اینکه صدمه‌ای به مغز و چشمشان وارد شود. محقق‌ی در یافته که ماهیچه‌های ضخیم استخوان‌های اسفنجی شکل و پلک سوم چشم، باعث می‌شود مغز و چشم این پرنده صحیح و سالم بماند. «ایوان اسکواب»، چشم‌پزشک دانشگاه «دیویس» کالیفرنیا، معتقد است اگر چنین ضربه‌ای که به سر دارکوب وارد می‌شود، به سر انسان اصابت کند، رگ‌های پشت چشم پاره شده و اعصاب پشت چشم نیز صدمه شدیدی می‌بیند و به طور یقین مغز دچار مرگ آنی می‌شود.

تحقیق این محقق نشان می‌دهد که یک هزارم ثانیه قبل از ضربه، نوک پرنده حرکت می‌کند، ماهیچه‌های متراکم موجود در گردن منقبض شده، پلک سوم چشم بسته می‌شود. ضمن آنکه بخشی از نیروی وارده از ضربه، به ناحیه پایین ماهیچه‌های گردن منتقل می‌شود و به این ترتیب، از وارد آمدن ضربه کامل به جمجمه جلوگیری می‌کند. پلک سوم مانند کمر بند ایمنی عمل می‌کند و از بیرون زدن چشم از سر جلوگیری می‌کند. قسمت خارجی چشم پرنده نیز محکم و مملو از خون است تا از فشرده شدن شبکیه چشم جلوگیری شود.^۱

۲. سی سال استغفار

ابن خلکان در «وفیات الاعیان» نوشته است که سرّی سقطی^۲ گفت: سی سال است که از یک جمله «الحمد لله» که بر زبانم جاری شد، استغفار می‌کنم. گفتند: چگونه؟ گفت: شبی حریق در بازار رخ داد. بیرون آمدم بینم که به دکان من رسیده یا نه؟ به من گفته شد: به دکان تو نرسیده است. گفتم: «الحمد لله»، یک مرتبه متنبه شدم که گیرم دکان من آسیبی ندیده باشد، آیا نباید در اندیشه مسلمانان باشم.

سعدی به همین داستان (با اندک تفاوتی) اشاره کرده و می‌گوید:

شبی دود خلق آتشی بر فروخت	شنیدم که بغداد نیمی بسوخت
یکی شکر گفت اندر آن خاک و دود	که دکان ما را گزندى نبود

۱. مجله روزهای زندگی، سال سیزدهم، ۱۳۸۶، ش ۲۷۹، ص ۱۰.

۲. از عرفای معروف قرن سوم هجری، متوفای سال ۲۴۵ یا ۲۵۰ ق در سن ۹۸ سالگی. او شاگرد و مرید معروف کرخی و استاد و دایی «جنید بغدادی» بوده است.

جهان دیده گفتش اندر آن بُو الهوس تو را خود غم خویشان بود و بس؟
پسندی که شهری بسوزد به نار اگر خود سرایت بود برکنار؟^۱

۳. ما را دوست بس

رابعه عدویه گفته است: الهی ما را از دنیا هر چه قسمت کرده‌ای، به دشمنان خود ده و هر چه از آخرت قسمت کرده‌ای، به دوستان خود ده که مرا تو بسی خداوند! اگر تو را از بیم دوزخ می‌پرستم، در دوزخم بسوز و اگر به امید بهشت می‌پرستم، بر من حرام گردان و اگر برای تو، تو را می‌پرستم، دریغ مدار.^۲

اوحدی مراغه‌ای نیز در این باره سروده است:

در ضمیر ما نمی‌گنجد بغیر از دوست کس

هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

۴. ابراهیم مجاب

او فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و قبر او در حرم مطهر حضرت ابا عبد الله علیه السلام در حائر می‌باشد و علت اینکه ابراهیم را «مجاب» لقب داده‌اند، این است که می‌گویند: روزی وارد حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام شد و عرض کرد: «سلام بر تو ای پدر!» در مقابل، جواب شنید: «سلام بر تو ای پسر.»^۳

۱. دوره کامل آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، ص ۲۰۸؛ داستانهای استاد، علیرضا مرتضوی، نشر فرهنگ و هنر اسلامی، ج ۲، ص ۱۲.

۲. تذکرة الاولیاء، فرید الدین عطار، تصحیح: محمد قزوینی، تهران، انتشارات مرکزی، ۱۳۲۳، ج ۵، ص ۷۶؛ مجله آینه معرفت، ش ۸، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲.

۳. فوائد الرضویة، محدث قمی، ص ۲۸۷؛ ارتباط با عالم برزخ، علی نظری منفرد، ص ۱۰۶.

۵. بهشت بی رنج

جابر بن عبد الله می گوید: مردی اعرابی نزد رسول خدا ﷺ آمد. آن حضرت اسلام را بر او عرضه کرد و او پذیرفت. ناگهان شتری که بر آن سوار بود لغزید و او به زمین افتاد. رسول خدا ﷺ فرمود: «او را دریابید.» عمار و حذیفه شتابان به سوی او رفتند؛ اما آن اعرابی از دنیا رفته بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «او از جمله کسانی است که بدون آنکه رنج و سختی کمی را تحمل کند، به نعمت طولانی دست یافت. او از جمله کسانی است که بر ایمان خود لباس ظلم نپوشانید،^۱ او را غسل دهید.» سپس فرمود: «من همسر او را در بهشت دیدم که به او از میوه های بهشتی می دهد.»^۲

۶. شعر مورد علاقه استاد مطهری

علامه جعفری رحمته الله علیه می گوید: ایشان (استاد مطهری) مردی جامع و در جامعیتش صاحب نظر بود. علاوه بر مراتب بالای علمی، شهید مطهری روح خیلی پاک و لطیفی داشت که در ورای چهره جذبی ایشان پنهان گشته بود.

در مجلسی، از هر کسی خواسته شد تا شعر مورد علاقه اش را بخواند. ایشان (استاد مطهری) این شعر سعدی را با هیجانی خاص خواند:

آب حیات من است خاک سرکوی دوست در دو جهان خرمی است ما و غم روی دوست
گر شب هجران سرا تاختن آرد اجل روز قیامت زنم خیمه به پهلوی دوست^۳

۱. اشاره به آیه ای از قرآن کریم که فرموده: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ...﴾.

۲. تاریخ طبری، طبری، دارالمعارف، ج ۲، ص ۳۴؛ ارتباط با عالم برزخ، ص ۱۲۷.

۳. ابن سینای زمان، سید محمدرضا غیاثی، پارسایان، ص ۸۰؛ آفاق مرزبانی، ص ۴۷.

۷. «نون»، «نان» می‌شود

استادم مرحوم علامه محمدحسین فاضل تونی - رضوان الله تعالی علیه - از تنگدستی و پریشان‌روزگاری میرعماد حسنی در آغاز کار حکایت نموده که وی به شوق و ذوق فطری و نعمت عشق خدادادی در خطه یادگیری خط سیر می‌کرد. وقتی دو تا [حرف] نون نوشت و مادرش را داور گرفت که این نون خوشتر است یا آن؟ مادر برآشفت و گفت: نه این نون، نان من می‌شود و نه آن. ولی دیری نگذشت که به برکت ﴿ن وَالْقَلَمِ﴾ و مفتاح خط ﴿وَمَا يَنْظُرُونَ﴾ ابواب رزق به رویش گشوده شد و بَلَغَ مَا بَلَغَ.

چون حُسن خط اندر سر انگشت توست کلید در رزق در مشت توست^۱

۸. سرّ امامیه

علامه طباطبائی رحمته الله در حکایتی فرموده: در تهران جلسه داشتم با مهمان بزرگواری به نام «هانری کربن»^۲ که فرانسوی، مسلمان و امامیه بود. از زبان مترجمش اظهار داشت که مسلمانم و شیعه اثنا عشری هستم و به سرّ امامیه اعتقاد دارم. پرسیدم: آیا تبار و دودمان آقا در پاریس از طایفه امامیه‌اند؟ در جوابم گفت: خیر. من با مطالعه کتب ادیان و مذاهب و ملل و نحل و تحقیقات شخصی خودم به دین اسلام رسیدم و مسلمان شدم و از اسلام به امامیه و مذهب جعفری که حتی به سرّ امامیه هم معترف و معتقدم.

۱. هزار و یک نکته، حسن‌زاده آملی، ص ۳۵۷؛ جمع پراکنده، محسن برزگر، ص ۱۰۵.

2. Henry corbon.

پرسیدم: مرادش از سرّ امامیه چیست؟ در پاسخم گفتم: وجود امام زمان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.^۱

۹. اجتهاد در سن ۲۴ سالگی

علامه جعفری نخستین اجازه اجتهاد خویش را در سن ۲۴ سالگی از مرحوم آیه الله شیخ محمدکاظم شیرازی رحمته الله علیه و دومین اجازه را در ۲۸ سالگی از مرحوم آیه الله میلانی رحمته الله علیه دریافت می نماید.^۲

۱۰. یافتند یا یافتند؟

مرحوم استاد جامع معقول و منقول، آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی رحمته الله علیه فرمود: «کسی به آقای میرزا محمدرضای قمشه‌ای (عارف بزرگ و معروف) گفت: آیا این حرفهایی را که عرفا می زنند، یافتند یا یافتند؟ در جواب فرمود: اگر یافتند، خوب یافتند و اگر [هم] یافتند، خوب یافتند.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. در آسمان معرفت، حسن زاده آملی، ص ۳۴۸؛ گلشن جلوه، ص ۲۰؛ جمع پراکنده، ص ۱۲۰، با تلخیص.

۲. روزنامه رسالت، علیرضا جعفری، ۷۸/۸/۲۵؛ ابن سینای زمان، همان، ص ۷۶.

۳. هزار و یک کلمه، ص ۶۲۱؛ جمع پراکنده، ص ۱۰۷.